

از کربلا می‌آموزیم که...

ما که به لطف خدا، عزاداری را از نیاکان خود در سایه مکتب اسلام و سیره پیامبر اکرم و اهل بیتش فراگرفته‌ایم، لازم است این سنت حسنه را به نسل خود با منطق و آثار و برکات آن منتقل کنیم



حجت‌الاسلام قرائتی

ما که به لطف خدا، عزاداری را از نیاکان خود در سایه مکتب اسلام و سیره پیامبر اکرم و اهل بیتش فراگرفته‌ایم، لازم است این سنت حسنه را به نسل خود با منطق و آثار و برکات آن منتقل کنیم.

خداوند در سوره 171# و کورت؛ با يك آهنگ استثنایی می‌پرسد: آن گاه که آفتاب تابان تاریک شود و ستارگان تیره شوند و کوهها به حرکت درآیند و ... پرسیده شود که دختران زنده به گور به کدامین گناه کشته شدند؟ ناگفته پیداست که مشرکین دختران خود را زنده به گور می‌کردند. ولی چون این دختران مظلوم بودند، خداوند به حمایت آنان برخاسته. (این بود نمونه حمایت از مظلوم، هرچند مسلمان نباشد).

و اما حمایت از مظلومان مؤمن. در سوره 171# و بروج؛ می‌خوانیم مرده باد اصحاب اخدود که با ریختن مؤمن به دره‌ای و سوزاندن آنان، بیننده این جنایت خود بودند، حال آن که تنها گناه آنان ایمان به خدای عزیز حمید بود؛ بنابراین گفتن مرگ بر ظالم، يك سنت قرآنی است.

و اما سیره نبوی. پس از آن که هفتاد و دو نفر از یاران پیامبر در احد کشته و در خانه‌ها عزاداری بپا شد، پیامبر اکرم پرسید: چرا برای حضرت حمزه که سید شهدا بود، عزاداری نمی‌شود؟! معلوم می‌شود عزاداری برای شهید مورد توجه است و همچنین همین که جعفر طیار در جنگ شهید شد، پیامبر دستور داد برای آل جعفر غذا تهیه کنید. از این نیز معلوم می‌شود، تغذیه عزاداران و داغداران يك سفارش نبوی است.

تجلیل بزرگان در قرآن

عزاداری و بیان فضائل اهل بیت، نمونه‌ای از یاد نیکی است که خدا به پیغمبرش می‌فرماید و رفعنا لك ذكرك.

توجه دلها به اهل بیت، نمونه‌ای از دعای ابراهیم است که از خدا خواست خدایا، دلهای مردم را به سوی خاندانش سوق دهد. (فاجعل افئدة من الناس تهوى اليهم) عشق به اهل بیت مصداق روشن وعده‌ای است که خداوند به مؤمنین داده که 171# و سيجعل لهم الرحمن ودا؛

در مراسم عزاداری و نقل فضائل مطالبی را به خوبی درك می‌کنیم:

به خوبی می‌فهمیم که چگونه فرجام نیک برای متقین است. (و العاقبة لاهل التقوى) به خوبی می‌فهمیم که چگونه نقشه‌های شیطانی ضعیف است و چگونه نقشه بنی‌امیه نقش بر آب شد. (ان كيد الشيطان كان ضعيفا) به خوبی می‌فهمیم که چگونه خداوند حق را بر سر باطل کوبید و آن را دمغ کرد. (بل نقذف بالحق على الباطل فيدمغه) به خوبی می‌فهمیم که چگونه خواستند نور خدا را خاموش کنند، ولی خدا هر روز آن را برافروخته‌تر می‌کند. (يريدون ان يطفئوا نورالله بافواههم)

بنا به روایات، در تاریخ انبیاء و پیامبر اسلام و اهل بیت، همه آنان برای امام حسین اقامه عزاداری می‌کردند. البته اقامه عزاداری خواندن تاریخ کربلا در منزل نیست. بلکه مثل برپایی نماز، نیاز به يك توجه و عنایت و حرکت و حماسه دارد.

امروز دشمنان ما اقرار می‌کنند که ما حریف شیعیان نمی‌شویم، زیرا آنان دو بال قوی دارند؛ بال سرخ که عاشورا است و بال سبز که انتظار حضرت مهدی است. آنان از شهادت نمی‌ترسند. از محاصره نظامی، اقتصادی، تبلیغاتی، شهادت، اسارت نمی‌ترسند. چون رهبرشان امام حسین آن گونه در محاصره اقتصادی قرار گرفت که آب خوردن برای اطفال نداشت و آنگونه در محاصره نظامی قرار گرفت که هفتاد و دو نفر میان سی هزار دشمن قرار گرفتند و آنگونه در میان هیاهوی مخالفان قرار گرفت که هنگام سخن گفتن امام

با هیاهو، جلوی شنیدن مردم را گرفتند؛ اما شهادت و اسارت را پذیرفت و زیر بار زور نرفت. الگوی شیعیان چنین فردی است.

از سوی دیگر، اینها به کمتر از رهبر معصوم و عدالت عمومی روی کره زمین با هیچ فردی قانع نمی‌شوند و هیچ حکومتی با هیچ شیوه‌ای اینان را راضی نمی‌کند و اینان همچنان در انتظار آن رهبر غایب هستند و ارادتی که به علما و مراجع دارند، به دلیل آن است که این افراد را نایب آن سرور می‌دانند.

عزاداری هماهنگی با انبیا و اهل بیت و همنوایی با حضرت مهدی است. امام صادق - علیه السلام - به شاعری فرمود: شنیده‌ام مرثیه می‌خوانی؟ گفت: بله. فرمود: بخوان. امام آنگونه با صدای بلند گریه کرد که از کوچه صدای حضرت شنیده می‌شد. عزاداری هماهنگی با فرشتگان و بهشتیان است. امام زمان - علیه السلام - می‌فرماید: ای حسین، عزاداری تو در اعلیٰ علیین اقامه شده و حتی حورالعین در عزاداری تو به صورت خود سیلی می‌زنند. (و لطمت عليك الحورالعین) عزاداری نوعی بیعت با امام از راه دور و از طریق احساسات است. عزاداری ارباب ستمگران و اعلام حمایت از مظلومان است.

عزاداری، نشان دادن الگو به همه اقشار است. به نوجوان می‌گوید از حضرت قاسم (پسر سیزده ساله امام حسن مجتبی که در کربلا بود) یاد گیرید که اگر بناست رهبر مردم، جنایتکاری مثل یزید باشد، مرگ از عسل شیرین‌تر است. به جوان می‌گوید از علی اکبر یاد گیرید که به پدر خود گفت اگر راه ما حق است، هیچ باکی نیست. عزاداری یعنی مخالفت و حذف همه سیاست‌های انحرافی.

عزاداری یعنی زنده نگاه داشتن خاطرات فداکاران. (بر همه افرادی که توان دارند، حج واجب شده و بخشی از اعمال حج، زنده نگاه داشتن خاطرات ابراهیم و اسماعیل و هاجر است. زائران خانه خدا در صفا و مروه شبیه‌سازی می‌کنند و همچون هاجر با هیجان می‌دوند، تا آن خاطره زنده بماند و ما همان گونه که از پدر و پسر و همسر در مکه تجلیل می‌کنیم، باید از امام حسین و فرزندان و اصحاب و زینب کبری و خاندان او نیز تجلیل کنیم.)

شاید اگر بگوییم تجلیل ما در کربلا باید بیش از مکه باشد، سخنی گزاف نگفته‌ایم، زیرا در مکه ابراهیم و اسماعیل آماده گذشت از جان شدند. ولی قتل صورت نگرفت؛ اما در کربلا علاوه بر قتل، قطعه قطعه شدند. در مکه چند ساعتی برای کودک آنجا (اسماعیل) آب نبود، ولی بعد آب زمزم از زمین جوشید. ولی در کربلا آب نجوشید؛ بنابراین تجلیل فداکاران که در مراسم حج آمده، بزرگداشت فداکاری آنان است.

عزاداری یعنی اجتماع، تعهد، غیرت، حرکت هدفمند.

عزاداری یعنی وحدت ملی (ترك و فارس، عرب و عجم، زن و مرد با هر نوع لهجه و آداب و رسوم)

عزاداری یعنی يك بسیج ده‌ها میلیونی همراه با سوز بدون اجبار و بدون چشم‌داشت؛ عاشقانه و هر سال.

عزاداری یعنی صبر و مقاومت را بین و یاد گیر.

عزاداری یعنی بلند نگاه داشتن پرچم مقاومت، مبارزه، مکتب، انقلاب، ایثار، اخلاص، شجاعت.

عزاداری یعنی يك کلاس عمومی تعلیم و تهذیب؛ رضاخان که مأمور محو اسلام بود، به فکر منع عزاداری افتاد.

عزاداری یعنی نگه داشتن قانون پیروزی خون بر شمشیر؛ همان چیزی که امروز در بیداری اسلامی کشورها دیده می‌شود.

عزاداری یعنی عالی‌ترین نوع تنفر از ظلم و ظالم.

عزاداری یعنی قساوت‌زدایی و تحریک عواطف و مظلومیابی و ظالم‌کوبی.

عزاداری یعنی بزرگ داشتن شعائر.

عزاداری یعنی نفوذ در دل مردم دنیا، تا آنجا که گاندی می‌گوید: رهبر من امام حسین است، تا آنجا که در دانمارک که کاریکاتور پیغمبر را کشیدند، بزرگترین اجتماع روز عاشورا برای شیعیان در خیابان‌ها جلوه می‌کند.

عزاداری یعنی دعوت به حق و منطق، ولی در قالب احساسات و هنر.

عزاداری بستری برای میلیون‌ها سفر به شهر و روستا و در سایه آن صله رحم و بازدید از وطن و انواع کمک‌ها.

عزاداری بستری برای ده‌ها هزار هجرت روحانیون به دورترین نقاط دنیا و رساندن پیام اسلام.

(در سایه عزاداری است که در خیابان‌های نیویورک نماز جماعت برپا می‌شود)

عزاداری بستری برای رشد حماسه‌ها، اشعار و هنرها و ایثار به دیگران و بستری برای بذل جان و مال است.

عزاداری یعنی تعطیل کردن بازارها و خیابان‌ها و به فکر مظلوم افتادن و ظالم را محاکمه کردن.

عزاداری یعنی از جرقه‌ها جریان ساختن.

عزاداری یعنی خود را در آیین کمال دیدن. امام از جان، مال، فرزند، وطن، همسر، مسکن، لباس، غذا، طفل، جوان، اصحاب و ... گذشت، فقط از دین نگذشت. ما چه کرده‌ایم؟

عزاداری یعنی محو طبقات؛ تاجر و فقیر، شهر و روستا، زن و مرد، کوچک و بزرگ، همه یکسو شدن.

در عزاداری می‌آموزیم که در سخت‌ترین شرایط از خدا راضی باشیم که امام حسین - علیه السلام - فرمود: رضا برضا؛ و در سخت‌ترین شرایط به سراغ غیرخدا نرویم. که فرمود: لا معبود سواك؛

در عزاداری می‌آموزیم به ولایت الهی وفادار باشیم. هرچند دو دستمان قطع شود. در عزاداری می‌آموزیم که له می‌شویم، ولی شکسته نمی‌شویم. در عزاداری است که می‌شنویم درهای غیب به روی افراد باز می‌شود. در عزاداری می‌آموزیم که بالاترین هدف، رضای ولی خدا و امام معصوم است. در عزاداری می‌آموزیم اقامه نماز حتی به قیمت هر کلمه یک تیر. در عزاداری می‌آموزیم آنچه مهم است، اراده است. سن مهم نیست. نوجوان باشد یا سالمند. (قاسم یا حبیب) در عزاداری می‌آموزیم بالاترین سختیها افرادی را حتی از مستحبات دور نمی‌کند. در عزاداری می‌آموزیم که چگونه مسلمان به خاطر پیروی از طاغوت و علاقه به دنیا از کفار بدتر می‌شود. (مسیحیان همین که دیدند پیامبر اسلام با دختر و فرزندش برای مباحله آمده، حیا کردند. ولی طرفداران بنی‌امیه با اینکه دیدند امام حسین با زن و بچه به کربلا آمده، حیا نکردند) در عزاداری می‌آموزیم که چگونه انسان از گرگ درنده‌تر می‌شود و غرور و تکبر و ریاست، ناهلان را تا آنجا پیش می‌برد که چوب بر لب و دندانی می‌زند که از آن دعای عرفه صادر شده و پیغمبر آن را می‌بوسیدند. در عزاداری می‌آموزیم که انسان وجود خطرناکی است که اگر خدا او را حفظ نکند، به جای معرفت و دوستی و پیروی اهل بیت که مزد رسالت است، اهل بیت را به نحو بی‌نظیری شهید می‌کنند و حتی از کشتن کودک و آتش زدن خیمه و ... نمی‌گذرد. در عزاداری با مدیریت بحران آشنا می‌شویم، که امروز در دانشکده‌های مدیریت یک فصل مهمی را به خود اختصاص داده. عزاداری یعنی بیدار کردن خفتگان، تعلیم جاهلان، به غیرت آوردن بی‌تفاوتان؛ هرچند به قیمت زیر سم اسب رفتن باشد. از کربلا می‌آموزیم که حق الناس بر هر چیزی مقدم است. (امام حسین - علیه السلام « زمین کربلا را خرید، تا خونس در زمین مردم ریخته نشود و زایران در ملک مردم پا نهند.)

در کربلا می‌آموزیم توجه به برده و آزاد یکسان است. (امام حسین هم سر علی اکبر را در بغل گرفت، هم سر غلام را) از کربلا می‌آموزیم سر از بدن جدا می‌شود، ولی از قرآن جدا نمی‌شود. (سر امام بالای نی قرآن خواند.) از کربلا می‌آموزیم که چگونه افرادی به خاطر جایزه و حکومت ری گول خوردند.

در عزاداری می‌آموزیم که باید کارهای خیر عمومی باشد. امام صادق فرمودند زنها هم در عزاداری شرکت کنند. در عزاداری می‌آموزیم که احکام الهی باید همه جا پیاده شود. عزاداری نماد بزرگی از تولی و تبری است. در عزاداری می‌آموزیم که یک تیم هفتاد و دو نفری در نیم روز می‌توانند برای ابد الگو باشند. در عزاداری می‌آموزیم می‌توان یک بسیج سریع، خالص برای اهداف بلند به راه انداخت. عزاداری نیابت بردار نیست؛ یعنی نمی‌توان کسی به جای دیگری در مجلسی شرکت کند، بلکه خودش باید دل بدهد، دل بسوازند، اشک بریزد، خرجی بدهد، حرکت کند. در عزاداری می‌آموزیم که باید از بازماندگان همدردی کنیم. این مسأله به قدری مهم است که حتی ریاکاری در آن جایز بوده و مستحب است خودتان را به صاحب عزای نشان دهید.

در پایان به چند نکته فقهی اشاره کنم:

- 1 - لب زدن به هر خاک حرام است، جز خاک کربلا.
- 2 - در حرم کربلا مثل خانه خود نماز را چهار رکتی می‌توان خواند؛ یعنی در آنجا احساس غربت نکن.
- 3 - به گفته روایات خاک کربلا رمز قبولی نماز است.
- 4 - خاک کربلا انیس مرده در قبر است.
- 5 - خاک کربلا رمز امان و بیمه کالاهای تجاری است.
- 6 - تسبیح خاک کربلا نشان وفاداری به شهدای کربلاست. همانگونه که طرفداران رنگ قرمز و آبی با همان پرچم و اتوبوس تظاهرات می‌کنند، شیعیان نیز با داشتن خاک کربلا وفاداری خود را اعلام می‌کنند که ما طرفدار تیمی هستیم که زیر بار زور نرفت و تسلیم طاغوت نشد.
- 7 - جالب آن است که دعایی که برای آب فرات آمده، همان دعایی است که برای آب زمزم است؛ «اللهم اجعله علماً نافعاً و رزقاً واسعاً و شفاعاً من کل داء«.
- 8 - با اینکه آب فرات پیش از شهادت بوده و اکنون این آب، آب زمان امام حسین نیست، اما به خاطر کوچکترین مناسبت باید در بستر زنده نگه داشتن کربلا مورد توجه قرار گیرد.
- 9 - با اینکه قبر مرده عادی را پس از متلاشی شدن بدن و یا سی سال می‌توان نبش کرد، ولی قبر شهید را حتی اگر یک سرباز ساده باشد، برای هیچ وقت نمی‌توان نبش کرد.
- 10 - وظیفه ما زنده نگه داشتن آثار و یادگارهای شهادت. همان گونه که امام صادق - علیه السلام - پیراهن امیرالمؤمنین را که در

آن شهید شده بود، نگاه داشته و گاهی به مهمانهای خود نشان می‌داد و امام سجاد فرمود: پیراهن پدرم را که در آن شهید شده و مادرم آن را بافته، به ما برگردانید.